

شناسایی مسائل اساسی تحکیم خانواده در ایران (با تأکید بر تغییرات ارزشی در آینده)

* سیدمحمدحسین هاشمیان

** نعمت‌الله کرم‌الهی

*** رحیم کارگر

چکیده

تحوالات و تغییرات خانواده در ایران در سال‌های اخیر، پیامدهای سوئی بر خانواده و جامعه خواهد داشت و به همین دلیل نیازمند سیاست‌گذاری فرهنگی مناسبی است که بتواند مواجهه درستی با آنها انجام داد و با چالش‌های فرارو مقابله کرد. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سوال است که مسائل اساسی تحکیم خانواده در ایران - که می‌بایست در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی آنها را در اولویت قرار داد - کدام‌اند؟ روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و رسانه‌محور و مبتنی بر نظرات کارشناسان و خبرگان است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و اولویت‌گذاری مسائل، روش تاپسیس - از روش‌های تصمیم‌گیری چند منظوره - است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین مسائل آینده خانواده در ایران، بر محور ارزش‌ها و تغییرات ارزشی است و به همین سبب سیاست‌های فرهنگی تحکیم خانواده، می‌بایست ناظر به حل مسائل ارزشی و اخلاقی خانواده باشد.

کلیدواژه‌ها

تحکیم خانواده، سیاست‌گذاری فرهنگی، تغییرات ارزشی، مسائل اساسی خانواده.

Hashemi1401@gmail.com

N.karamollahi@gmail.com

Rkaregar313@gmail.com

* دانشیار گروه مدیریت راهبردی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

** دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

*** دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام (نویسنده مسئول)

مقدمه

وضعیت کنونی خانواده، از نقطه مطلوب خود فاصله گرفته و دستخوش چالش‌ها و تحولات نگران‌کننده‌ای به‌ویژه در حوزه ارزش‌ها شده است. این مسأله، نشانه‌هایی دارد که بیانگر ایجاد یک‌سری تغییرات جدی در خانواده است. نشانه‌های این دگرگونی‌ها از همسرگزینی تا تشکیل، تدوام، گسترش و نوع فرزندآوری خانواده دیده می‌شود و در نهایت هم به مشکلاتی همچون طلاق ختم می‌شود. این تحولات، که به سبب دگرگونی‌های فرهنگی - به‌ویژه سبک زندگی - اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیکی و مانند آن صورت پذیرفته، بر ابعاد خانواده تأثیر گذاشته و آن را دگرگون کرده است. خانواده در ابعاد ارزشی، کارکردی و ساختاری در حال تغییر است و ارتباطات و اطلاعات در آن تضعیف شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد جایگاه کنونی خانواده نسبت به گذشته متزلزل‌تر و نامطلوب‌تر شده است. بالارفتن میزان طلاق در جوامع، به‌ویژه در جوامع صنعتی غرب، سبب شده است که این مسأله مورد توجه گروه زیادی از کارشناسان قرار گیرد و حتی در مواردی آن را به‌مثابه شاخص از میان‌رفتن خانواده در سال‌های آینده تلقی کرده‌اند (محسنی، ۱۳۷۹: ۳۵۱-۳۵۲). در ایران نیز مسأله، وضعیت چندان خوشایندی ندارد. یافته‌های برخی از تحقیقات انجام‌شده در کشور نشان می‌دهد که مسائل خانواده و طلاق در شمار ده مسئله اصلی کشور قرار دارد. بعضی از این تحقیقات عبارت‌اند از:

۱. طرح تحقیقاتی «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها»؛ در این تحقیق، مسئله طلاق در ردیف ۶ و روابط نامشروع در ردیف ۸ مسئله اجتماعی ایران قرار داشت (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲).

۲. طرح ملی «دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور»؛ در این تحقیق، مسئله طلاق در ردیف ۴ و خانواده‌های نابسامان در ردیف ۵ و فحشا و فرار از منزل در ردیف‌های ۸ و ۱۷ قرار داشت (معمدی، ۱۳۸۳).

۳. طرح «مسائل اجتماعی از دیدگاه مردم تهران»؛ در این طرح، مسئله ازدواج در ردیف ۱۰ و مشکلات خانوادگی در ردیف ۱۲ قرار داشت (گروه پژوهشی آینده، ۱۳۸۰).

در هر حال، شرایط کنونی خانواده ایرانی با چالش‌های بسیاری مانند تغییر نقش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، کاهش فرزندآوری، تغییر نگاه

به همسر، و... مواجه است. بر این اساس، خانواده در ایران، همانند بسیاری از جوامع دیگر، در معرض تغییرات چشم‌گیری قرار دارد. افزایش نزاع‌ها و اختلافات خانوادگی و طلاق، پایین آمدن سطح تفاهم و ارتباطات درست، کاهش روحیه سازگاری و مسالمت‌جویی، افزایش سن ازدواج، فزونی تمایل به تجرد و تنهازیستی، تغییر نگرش‌ها که به تردید در ضرورت تشکیل خانواده به‌عنوان مسیر تکاملی در زندگی منجر شده است، ضعف کارآمدی خانواده در تنظیم رفتار جنسی، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی و ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری و تربیت درست از مشکلات جدی خانواده ایرانی است. گفتنی است، خانواده در دوران مدرن دچار تحولات عظیمی در بخش‌های مختلف شده است که می‌توان به تغییرات زیر اشاره کرد:

الف. تغییرات ساختاری: این قبیل تغییرات، ساختار خانواده را از شکل گسترده به هسته‌ای و سپس به صورت خانواده‌های تک‌والدی و تک‌نفری تبدیل کرده و حتی زندگی مشترک بدون ازدواج را رواج داده است.

ب. تغییرات ارزشی: تغییراتی است که ارزش‌هایی مانند مکارم اخلاقی، وفاداری زن و مرد نسبت به یکدیگر، فرزندآوری، روابط خویشاوندی، قوامیت و سرپرستی مردان و نان‌آور بودن آنها و خانه‌دار بودن زنان و... بسیار کم‌رنگ شده است؛ به‌ویژه آنکه این الگوها معرف نیازهای روان‌شناختی برای احراز هویت است.

ج. تغییرات عملکردی: نقش‌های سنتی مرد، زن و فرزندان در درون خانواده دچار تحول شده است. نقش تعیین‌کننده مرد در معیشت از انحصار او بیرون آمده و با ورود انبوه زنان به کارهای خارج از خانه، قدرت چانه‌زنی آنها افزایش یافته است (شیخی، ۱۳۸۰: ۴۲).

د. تغییرات دانشی (اطلاعات): تحولاتی که در زمینه دانش و مهارت و اطلاعات اعضای خانواده روی داده و نشان‌دهنده این است که به رغم بالارفتن سطح اطلاعات عمومی، آگاهی‌های لازم برای تشکیل، تداوم و تعالی خانواده، در میان اعضا به پایین‌ترین سطح رسیده است.

ه. تغییرات ارتباطی: گرچه اعضای خانواده زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما شاخص‌هایی چون عشق، محبت و تفاهم در میان اعضای خانواده کم‌رنگ شده و با افزایش فاصله میان اعضا از ارتباطات کلامی، دیداری و شنیداری آنها کاسته شده است.

در نگاه به هر خانواده، توجه به این پنج عنصر؛ یعنی ساختار، عملکرد، ارتباطات، ارزش‌ها و اطلاعات، ماهیت وجودی آن خانواده و عملکرد کلی آن را روشن می‌کند و خانواده سالم را از خانواده ناسالم و یا مختل متمایز می‌سازد. خانواده‌ای که در ساختار دچار گسست است - مثلاً زن و شوهر از هم جدا شده‌اند، روابط غیرانطباقی است، کودکی درس نمی‌خواند یا یکی از نوجوانان معتاد شده است، تبادل اطلاعات در آن با مشکل روبه‌روست، خواسته‌ها به وضوح بیان نمی‌شود و یا تبادل کلامی در سطح حداقل ممکن است - حتماً از عملکرد سالم و سازنده بی‌بهره خواهد بود. به عبارت دیگر، سیستم آن از هماهنگی و سازمان‌یافتگی لازم محروم است (معمدی، ۱۳۹۱) تحولات و تغییرات در این عناصر، می‌تواند آثار و پیامدهای سوئی بر خانواده و جامعه داشته باشد و به همین دلیل، نیازمند سیاست‌گذاری فرهنگی مناسبی است که بتوان مواجهه درستی با آنها داشت و با چالش‌های پیش‌رو مقابله کرد. بر این اساس، مساله مقاله حاضر، این است که مسائل اساسی تحکیم خانواده در ایران کدام است که باید در سیاست‌گذاری‌ها بدان‌ها توجه خاصی داشت و در اولویت قرار داد؟ به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسائل خانواده در حوزه ارزش‌ها - تغییرات ارزشی - می‌تواند صورت‌بندی شود و در اولویت مسائل سیاست‌گذاری فرهنگی قرار می‌گیرد.

چارچوب مفهومی و روشی

سیاست‌پژوهی فرهنگی، به کارگیری پژوهش‌های عملی و علمی در سیاست‌گذاری فرهنگی است. با استفاده از این روش، ابتدا مسئله یا مسائل علمی، شناسایی می‌شود. سپس اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده و بر اساس اولویت‌ها، سیاست‌هایی توصیه می‌گردد. برخی سیاست‌گذاری فرهنگی را تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی (ارتقای همکاری‌های فرهنگی، تقویت مشارکت فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی و تقویت هویت فرهنگی) تعریف کرده و سیاست فرهنگی را نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی و راهنمای مسئولان، مدیران، برنامه‌ریزان و کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی می‌دانند (حسین‌لی، ۱۳۷۹: ۵۶).

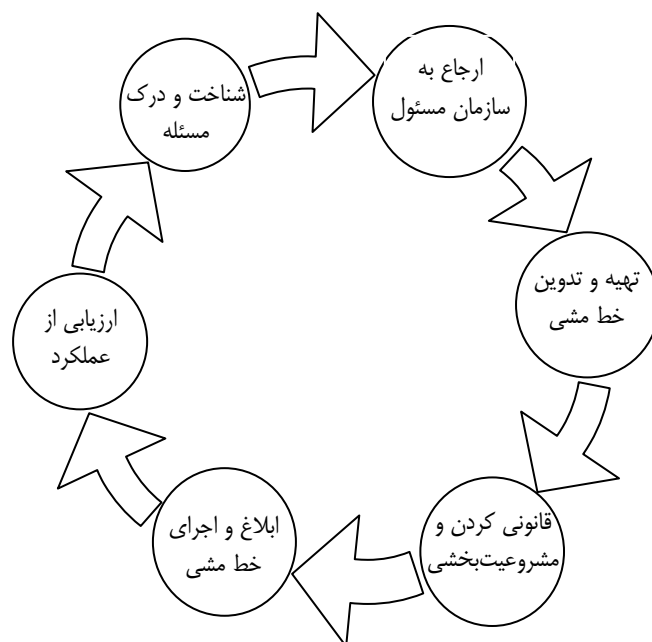
سیاست فرهنگی دارای منابع و سنت‌هایی است که در فرهنگ و سنت گذشته ریشه دارد با این حال، سیاست فرهنگی به معنای ورود دولت و سازمان‌های عمومی و رسمی برای سیاست‌گذاری در فرهنگ و برنامه‌ریزی کردن مفهومی مدرن است (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۳۶). بر این اساس، سیاست پژوهی پیوند وثیقی با تنظیم دستورکار دارد و نتایج آن برای توسعه سیاست‌های عمومی بسیار سودمند است.

بی‌شک، نمی‌توان سیاست‌گذاری فرهنگی را در قالب فعالیت و پروژه‌ای موقت مدنظر قرار داد؛ زیرا مسائل فرهنگی تمام نمی‌شوند و حاکمیت به‌طور مستمر با مسائل و چالش‌های فرهنگی جدید روبه‌رو خواهد بود. البته این امر، به معنای انکار سیاست‌های کلان و ثابت در حوزه فرهنگ نیست؛ قلمرو فرهنگ نیز مانند سایر حوزه‌های عمومی نیازمند سیاست‌هایی کلان و ثابت است که خطوط قرمز و ضوابط کلی حاکم بر سیاست‌های پایین‌دستی را تعیین کند. اما از آنجا که سیاست فرهنگی در پاسخ به یک مسئله فرهنگی صورت‌بندی می‌شود و مسائل در فرایندی پویا و سیال در قلمرو فرهنگ بازتولید می‌شوند، سیاست‌ها نیز نیازمند تدوین، اجرا و ارزیابی در فرایندی مستمر خواهند بود (هاشمیان و بزرگی، ۱۳۹۳).

در حوزه سیاست‌گذاری عمومی، دو مدل «تحلیل استراتژیک» و «تحلیل مرحله‌ای (فرآیندی)»، چارچوب‌های مفهومی و روشی مناسبی را پیش‌رو گذاشته‌اند. در مدل فرآیندی، می‌توان فرایند خط‌مشی را به‌مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌های سیاستی در قالب مراحل شناسایی مشکل، تدوین راه‌حل، قانونی کردن، اجرا و ارزیابی در نظر گرفت (هاولت و رامش، ۱۳۹۴: ۲۳). مراحل فرایند سیاست‌گذاری، یک طرح ذهنی است و درباره آن، مطالب بسیاری مطرح شده است. در این میان، اولین مدل را هارولد لاسول بیان کرده است که هفت مرحله دارد و با جمع‌آوری اطلاعات شروع و با ارزیابی به پایان می‌رسد (همان: ۲۱) براساس آنچه «جونز» ارائه می‌دهد، عملکرد دولت و تصمیم‌گیران را به پنج مرحله به هم وابسته تقسیم می‌کند:

۱. مرحله شناخت مشکل و قرار گرفتن مشکل در دستورکار حکومت؛ ۲. ارائه راه‌حل‌ها به تصمیم‌گیران؛ ۳. مشروعیت بخشیدن به یک راه‌حل و تصمیم‌گیری؛ ۴. اجرای سیاست‌ها؛ ۵. ارزیابی سیاست‌گذاری‌های عمومی (اشتریان، ۱۳۸۶: ۴۵؛ وحید، ۱۳۸۳: ۳۴).

علی‌رغم دیدگاه محدود در مدل فرآیندی، این مدل می‌تواند در درک فعالیت‌های مختلفی که در خط‌مشی‌گذاری اجرا می‌شوند، مفید باشد. بر این اساس، سیاست‌گذاران باید فعالیت‌هایی را انجام دهند تا مطمئن شوند که در تنظیم سیاست‌ها، دیدگاه‌ها و تجربیات افرادی که از این سیاست‌ها اثر می‌پذیرند را به حساب می‌آورد.

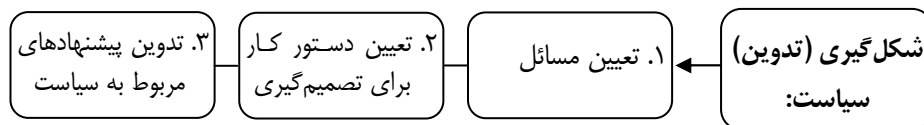


نمودار شماره ۱ - فرایند سیاست‌گذاری

شناسایی درست و به‌موقع مسائل و مشکلات و قرارداد آنها در دستور کار حائز اهمیت زیادی است. در این مرحله، مشخص می‌شود که چه مسائلی مورد توجه و بررسی قرار گیرند و کدام مسائل، مطرح نشوند و وارد فرایند سیاست‌گذاری نگردند. در واقع در مرحله تدوین، مسائل شناسایی شده، در دستور کار قرار گرفته و تلاش می‌شود از بین گزینه‌های موجود، بهترین راه‌حل انتخاب شود. یکی از مهم‌ترین اقدامات در مرحله تدوین عبارت است از، شناخت مسأله و تصمیم‌گیری درباره اینکه چه مسأله و به چه شکلی در

دستور کار قرار گیرد. عوامل مختلفی بر فرآیند دستورگذاری تأثیر می‌گذارند؛ از جمله گروه‌های ذی‌نفع، مطبوعات، ارباب رجوع و... پس از بررسی ابعاد گوناگون مسأله و راه‌حل‌های موجود، یک راه‌حل، انتخاب و اعلام می‌گردد (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۹). در این مرحله، ضمن شناخت و احساس مشکل، ریشه‌ها و علل بروز آن ادراک می‌شود. همچنین ضمن تحلیل مسائل عمومی متنوع و گسترده و ابعاد مختلف هر یک از آنها، دستورکار سیاست‌گذاری تعیین می‌شود (هاشمیان، ۱۳۸۷: ۱۰۱). در واقع، درک و احساس مسئله، اهمیت بسیاری در فرآیند سیاست‌گذاری دارد؛ زیرا این موضوع با نقش مسئولان، نحوه انعکاس مشکل به سازمان، مطالعه و بررسی عمیق مسئله، ارتباط آن با راه‌حل‌ها و تخصیص منابع و امکانات، وابستگی نزدیک دارد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۶). آن‌گاه که یک مسئله در دستور کار قرار گرفت، سیاست‌پژوهان شروع به صورت‌بندی و طراحی یک سیاست برای مواجهه با یک یا چند مسئله می‌کنند. نتایج مورد نظر تعیین می‌شوند و بر اساس تحلیل گزینه‌های مختلف، سیاست‌هایی طراحی شده و توسعه می‌یابند و ابزارهای مختلف سیاستی آزمون می‌شوند.

شناسایی مسائل اساسی تحکیم خانواده در ایران - با توجه به تغییرات ارزشی خانواده، ناظر به مرحله نخست - تدوین و شکل‌گیری سیاست - است؛ یعنی بر اساس یافته‌های آینده‌پژوهی، مسائل مربوط به تحکیم خانواده، شناسایی شده و راه‌حل‌های مناسب برای تنظیم سیاست، بررسی گشته و در نهایت، انتخاب راه‌حل مورد نظر برای حل مشکل تزلزل خانواده صورت می‌گیرد. در واقع، خود این مرحله دارای سه گام اساسی برای شناسایی مشکل و یافتن راه‌حل‌های مناسب و ارائه پیشنهادها سیاستی خواهد بود. با تعدیل این مراحل، می‌توان سه گام اساسی سیاست‌گذاری را به‌عنوان مرحله نخست - تدوین سیاست - شماره کرد:



نمودار شماره ۲ - مراحل تدوین و شکل‌گیری خط‌مشی

به نظر برخی از صاحب‌نظران: مهم‌ترین مرحله در چرخه خط‌مشی‌گذاری، مرحله «دستور‌گذاری» است که مشخص می‌کند چگونه موضوعات در دستور کار دولت قرار می‌گیرند (هاولت و رامش، ۱۳۹۴: ۱۶۸). در واقع، باید گفت که تهیه دستور کار ضروری است؛ زیرا اگر مسائل در دستور کار گنجانده نشود، نمی‌توانند برای اقدام، مورد توجه قرار گیرند. مسائل باید قبل از انتخاب خط‌مشی مورد توجه قرار گیرند (جیمز، جوزف استوارت، ۱۳۸۳: ۸۵). گرچه این امر اغلب ساده به نظر می‌رسد؛ اما تعیین ابزارها و سازوکارهایی که باعث می‌شوند مسائل و موضوعات، شایسته اقدامی دولتی گردند، بسیار دشوار است. این موضوعات در عوامل بسیاری ریشه دارند و بیش از آنکه به صورت جدی مطرح شوند، فرایندهای پیچیده‌ای را طی می‌کنند (هاولت و رامش، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۶۸).

در نهایت، رتبه‌بندی مسائل خانواده با استفاده از روش تاپسیس^۱ صورت خواهد گرفت. پس از شناسایی مسائل اصلی خانواده و به دست آوردن پیامد روندهای موثر بر خانواده، از روش تاپسیس - برای اولویت‌بندی این مسائل برای قرار گرفتن در دستور کار سیاستی استفاده می‌گردد. روش تاپسیس، یکی از تکنیک‌های مورد استفاده در تصمیم‌گیری چندمعیاره^۲ - است. در این روش تصمیم‌گیری، تعدادی گزینه و تعدادی معیار برای تصمیم‌گیری وجود دارد که باید با توجه به معیارها، گزینه‌ها رتبه‌بندی شوند و یا اینکه به هر یک از آنها یک نمره کارایی اختصاص داده شود. فلسفه کلی روش تاپسیس این است که با استفاده از گزینه‌های موجود، دو گزینه فرضی تعریف می‌شوند. یکی از این گزینه‌ها، مجموعه‌ای است از بهترین مقادیر مشاهده‌شده در ماتریس تصمیم‌گیری. این گزینه را اصطلاحاً ایده‌آل مثبت - بهترین حالت ممکن - می‌نامیم. ضمن اینکه یک گزینه فرضی دیگر تعریف می‌شود که شامل بدترین حالت ممکن باشد؛ این گزینه ایده‌آل منفی نام دارد. معیارها می‌تواند دارای ماهیت مثبت یا منفی باشند، همچنین واحد اندازه‌گیری آنها نیز می‌تواند متفاوت باشد. معیار محاسبه نمرات در روش تاپسیس این است که گزینه‌ها تا حد امکان به گزینه ایده‌آل مثبت نزدیک و از گزینه ایده‌آل منفی دور باشد.

1. TAPSIIS.

2. MCDM.

بر این اساس، یک نمره برای هر گزینه محاسبه می‌شود و گزینه‌ها مطابق این نمرات رتبه‌بندی می‌شوند. این مدل، برای اولین بار در سال ۱۹۸۱، توسط هوانگ و یون ارائه گردید و با اصلاحاتی که بر روی آن انجام شد، به‌عنوان یکی از بهترین و دقیق‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در بین برنامه‌ریزان است (اصغرپور، ۱۳۸۵: ۸۷؛ آذر، فرجی، ۱۳۸۷).

پایه‌های نظری این تکنیک بر این رابطه استوار است که ابتدا ایده‌آل‌های مثبت - بهترین حالت - و ایده‌آل‌های منفی - بدترین حالت - را برای هر یک از شاخص‌ها به وسیله یک سری تکنیک‌هایی یافته و سپس فاصله هر گزینه از ایده‌آل‌های مثبت و منفی محاسبه می‌شود. گزینه منتخب، گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از ایده‌آل‌های مثبت و بیشترین فاصله را از ایده‌آل‌های منفی داشته باشد (حکمت‌نیا، موسوی، ۱۳۹۰: ۳۶۲).

برای اجرای روش تاپسیس در تحقیق حاضر، ابتدا معیارهای اصلی برای امتیازدهی به مسائل شناسایی‌شده، به دست آمده و به وسیله ده نفر از کارشناسان سیاست‌گذاری، وزن معیارها مشخص گردید. این معیارها عبارت‌اند از:

۱. میزان تاثیرگذاری بر سایر مسائل خانواده؛ ۲. فراگیری و شمول آن به همه جامعه هدف؛ ۳. شدت بحرانی بودن مساله؛ ۴. میزان تاثیر (مثبت یا منفی) بر ارزش‌های خانواده؛ ۵. میزان اجماع عمومی بر مساله؛ ۶. توانایی و امکانات کشور برای حل آن؛ ۷. میزان تاثیر آن در تحقق یا عدم تحقق چشم‌انداز مطلوب خانواده.

کارشناسان برای هر کدام از این معیارها، امتیازی بین ۰ - ۱۰۰ را در نظر گرفتند. پس از اخذ نظرات آنان، درصد هر یک از امتیازات مشخص شد:

۱. معیار یک: ۰.۱۵؛ ۲. معیار دوم: ۰.۱۴؛ ۳. معیار سوم: ۰.۱۵؛ ۴. معیار چهارم: ۰.۱۵؛ ۵. معیار پنجم: ۰.۱۲؛ ۶. معیار ششم: ۰.۱۳؛ ۷. معیار هفتم: ۰.۱۶.

بعد از تعیین ضریب اهمیت معیارها، ضریب اهمیت گزینه‌ها تعیین گردید. در این مرحله، ارجحیت هر یک از گزینه‌ها، مورد قضاوت و داوری قرار گرفت. به همین جهت، پرسش‌نامه چندمنظوره‌ای برای به دست آوردن ضریب هر یک از گزینه‌ها - ۶۰ مساله اصلی خانواده پس از اخذ نظرات کارشناسان - تهیه شد و در اختیار خبرگان و کارشناسان

مربوطه قرار گرفت. نزدیک به ۲۰۰ فرم پرسش‌نامه در مراکز مختلف علمی و پژوهشی و در شهرهای مختلف - از جمله تهران، اصفهان، قم و برخی دیگر از شهرهای مهم - توزیع گردید. امتیاز کارشناسان به معیارهای هفت‌گانه، عددی بین ۱ - ۵ و برای ۶۰ مسئله در نظر گرفته شد.^۱

۱. توضیح آنکه مسائل شناسایی‌شده خانواده در پنج محور، ۷۳ مسئله بود که بعد از اخذ نظرات کارشناسان و اساتید و حذف هم‌پوشانی‌های احتمالی، به ۶۰ مسئله رسید. این مسائل عبارت‌اند از افزایش میل و گرایش عمومی به طلاق؛ زوال تصویر روشن و صحیح از ارزشمندی خانواده؛ عادی‌شدن طلاق و قبح‌زدایی از آن؛ عدم رعایت و پایبندی به موازین و ارزش‌های اخلاقی؛ فاصله‌گرفتن از خانواده آرمانی و متعادل؛ جایگزینی سبک زندگی غربی به جای اسلامی؛ از بین رفتن میل و رغبت به تشکیل یا حفظ زندگی؛ حاکم‌شدن فرهنگ مادی‌گرایی در خانواده؛ اختلال در انتقال ارزش‌ها و الگوسازی ارزشی؛ انحطاط و کم‌رنگ شدن تدریجی ارزش‌های خانوادگی؛ گسترش بی‌نظمی و عدم مسئولیت‌پذیری در خانواده؛ گسترش تنوع‌طلبی در میان زوجین؛ افزایش ناهماهنگی‌های فرهنگی بین زوجین (اختلاف فرهنگی)؛ تضعیف اخلاق در خانواده و جامعه بر اثر صنعتی‌شدن؛ حاکمیت تفکر لیبرالیستی بر خانواده؛ ایجاد نگرش منفی به زندگی با بالا رفتن سطح توقعات؛ افزایش تعارضات در خانواده با گسترش اینترنت؛ از بین رفتن تعادل با سست‌شدن باورهای مذهبی و اعتقادی؛ پایین آمدن سطح مهارت‌های زندگی؛ نبود بلوغ فکری و اجتماعی در میان جوانان ازدواج‌کرده؛ عدم شناخت اصول زندگی مشترک و قواعد اصلی؛ افزایش تعارضات با حاکمیت فن‌سالاری در خانواده؛ به وجود آمدن آسیب‌های مختلف با اعتیاد شدید به اینترنت؛ بحران هویت و اختلال در شخصیت اعضای خانواده در فضای مجازی؛ تفاوت اطلاعات و گرایش‌ها و ایجاد شکاف بین فرزندان و والدین؛ ازدیاد نارضایتی‌های خانوادگی با تأثیرپذیری از فضای مجازی؛ افزایش ناآگاهی جنسی زوجین (افزایش شناخت غلط در مورد مسائل جنسی)؛ تنزل جایگاه ارزشی و اخلاقی خانواده؛ ضعف کارآمدی جنسی خانواده (زوجین)؛ افول نقش کنترلی و نظارتی خانواده؛ ضعف خانواده در تربیت جنسی فرزندان؛ گسترش تأثیرپذیری فرزندان از بیرون؛ حاکمیت گفتمان ناکارآمدی خانواده؛ تنزل محوریت و مرجعیت خانواده در آموزش و تربیت؛ اهمیت‌یافتن کار و اشتغال نسبت به خانواده؛ تخریب ساختار خانواده‌های سنتی با مدرنیزاسیون؛ فراگیری اشتغال زنان در بیرون خانه؛ افزایش زنان سرپرست خانوار؛ کاهش باروری و نرخ رشد جمعیت؛ جایگزینی ازدواج رسمی با شکل‌های نامشروع خانواده بدیل؛ تأثیر خانواده هم‌باش (ازدواج سفید) بر بی‌ثباتی سایر خانواده؛ تضعیف ساختار و جایگاه خانواده به جهت تداوم رکود و اقتصاد ناسالم؛ فراگیری زندگی مجردی (تجردزیستی)؛ تنزل مفهوم مادری و کاهش فرزندآوری؛ افزایش و سهولت طلاق توافقی؛ کم‌شدن ارتباطات کلامی و عاطفی و نبود روابط صحیح؛ افزایش خشونت در خانواده‌ها؛ از بین رفتن حرمت‌ها و احترام بین اعضا؛ تشدید تعارضات ناشی از گرایش به مواد مخدر؛ نادیده گرفته‌شدن خانواده با گسترش روابط فرازنشویی؛ افزایش رضایت از بی‌بندوباری در روابط بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به روابط درون خانواده؛ خودبستگی و انزوای شدید خانواده ایرانی؛ گسترش شکاف نسلی میان اعضای خانواده؛ کاهش آرامش روانی اعضای خانواده؛ دگرگونی مناسبات و مناسک خانوادگی؛ کم‌رنگ‌شدن نقش بزرگ‌ترها؛ نبود تفاهم و زبان مشترک برای ادامه زندگی؛ جدایی، جهت‌رهایی از یکنواختی و تکرار شدن زندگی؛ دخالت روزافزون خانواده‌ها در مسائل زوجین.

جدول شماره ۳- فرم پرسش‌نامه اولویت‌گذاری مسائل خانواده

تاثیر در تحقق یا عدم تحقق چشم‌انداز مطلوب	توانایی و امکانات کشور برای حل آن	میزان اجماع عمومی بر مساله	میزان تاثیر (مثبت یا منفی) بر ارزش‌های خانواده	شدت بحرانی بودن مساله	فراگیری و شمول آن به همه جامعه هدف	میزان تاثیرگذاری بر سایر مسائل خانواده	گزینه‌ها (مسائل اساسی خانواده)
۵-۱	۵-۱	۵-۱	۵-۱	۵-۱	۵-۱	۵-۱	امتیاز

پس از دریافت نظرات کارشناسان، امتیازات استخراج شده و میانگین آنها در فرم مربوطه وارد گردید. در نهایت، وزن معیارها و گزینه‌ها و میزان ضرایب آنها با استفاده از نرم‌افزار Excel محاسبه شد. مهم‌ترین نکته در اینجا، میزان دقت و کارایی روش تاپسیس در شناسایی اولویت‌های تصمیم‌گیری است. روش تاپسیس یک روش تصمیم‌سازی بسیار تکنیکی و قوی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه‌نمودن به جواب ایده‌آل است. در این روش، گزینه انتخاب شده، کوتاه‌ترین فاصله را از جواب ایده‌آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب دارد. بر این اساس، بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی در نظرات کارشناسان، امتیازات هر یک از مسائل بر اساس معیارهای مشخص شده، در جداول مربوطه وارد شد و میانگین نظرات گرفته شد. بر اساس معیارهای هفت‌گانه، درصد این امتیازات مشخص و در نتیجه اولویت‌های نهایی مسائل اساسی خانواده به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

الف: شناسایی مسائل اساسی تحکیم خانواده

مهم‌ترین و شاید بنیادی‌ترین موضوع در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی تحکیم خانواده، مسئله شناسایی آن است. به‌طور کلی سیاست‌های فرهنگی تحکیم خانواده، بدون توجه به مسائل عمومی آن، قابلیت تصویب و اجرا نخواهد داشت. از این‌رو، شناسایی مسائل اصلی خانواده و تدوین سیاست‌ها در راستای آن، گام اولیه در سیاست‌گذاری است. به‌عبارت روشن‌تر، باید مسائل خانواده را از آن جهت شناسایی و بررسی کرد که آیا مسائل در دستور کار، یک مسئله عمومی است و توان و جایگاه قرار گرفتن در دستور کار سیاست‌گذاری را داراست یا نه؟ اهمیت آن، بدین دلیل است که اگر مسائل خانواده - به‌ویژه در زمینه تحکیم و تزلزل آن - به درستی شناسایی نشود و بنا به دلایل مختلف، بر مسائل پراهمیت‌تر و اثرگذارتر عمومی رجحان داده شود، از اثرگذاری سیاست‌های فرهنگی تحکیم خانواده کاسته شده و نتیجه مطلوبی به بار نخواهد آمد. از این‌رو، ضرورت دارد فرایندی که مسئله شناسایی شده و در دستور کار سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد، مطالعه و بررسی شود (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۲۲۰ و ۳۳۳).

واقعیت این است که زندگی انسان‌ها در دنیای پیچیده امروز از لابه‌لای مشکلات و مسائل عبور می‌کند تا مسیر خود را پیماید و به جلو برود. از همین‌رو، انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خود به‌طور مرتب با مسائل عدیده‌ای روبه‌رو هستند. یکی از انواع مسائل عمومی جامعه، مسائل اجتماعی می‌باشند که طی یک فرایند و سازوکار، از پدیده اجتماعی به مسائل اجتماعی تبدیل شده‌اند. هر واقعیت، به هر شکل و هر صورتی که باشد و صرفاً با توجه به مسلم‌بودنش برای همگان، عینی‌بودن و تردیدناپذیریش، پدیده اجتماعی است (دانش‌فرد، ۱۳۹۳: ۸۲). اگر این واقعیت، شرایط نامطلوبی را ایجاد نماید که عده زیادی از افراد جامعه یا گروه‌های اجتماعی، احساس نارضایتی کرده یا حساسیت به خرج دهند، این پدیده به مسئله اجتماعی مبدل می‌شود. اینکه چگونه مسأله‌ای، یک مسأله عمومی تعبیر می‌شود و اسباب عمل دولت را فراهم می‌آورد، پرسش‌های عمیق‌تری را در مورد ماهیت دانش انسانی و ساختار اجتماعی آن مطرح می‌سازد. اکثر آثار نخستین با این

فرض آغاز می‌شوند که اوضاع اجتماعی - سیاسی باعث پیدایش مجموعه‌ای خاص از مسائل می‌شوند و دولت‌ها در نهایت، باید به این مسائل بپردازند. به هر حال، امروزه این توافق کلی وجود دارد که عوامل گوناگون سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک تعیین می‌کنند که چه مسائلی در دستور کار دولت قرار گیرد (هاولت و رامش، ۱۳۹۴: ۱۶). می‌توان گفت یک مسأله زمانی مورد توجه قرار خواهد گرفت که: ۱. مسأله نسبتاً حاد شده، به صورتی که نتوان آن را نادیده گرفت و بی‌اهمیت تلقی نمود. ۲. مسأله بسیار برجسته و به صورت یک موضوع خاص درآمده باشد که در آن، یک موضوع مهم‌تر را نشان می‌دهد. مثل شکافتگی لایه اوزن و خطر گرمای زمین. ۳. مسأله به دلیل وجود یک بعد اساسی، دارای یک جنبه احساسی بوده و یا اینکه توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده باشد. ۴. مسأله اثرات وسیع و گسترده‌ای داشته باشد. ۵. سئوالاتی درباره قدرت و قانونی بودن در جامعه برانگیخته باشد. ۶. مسأله یا مشکل، موضوع روز باشد (جیمز، لستر و استوارت، ۱۳۸۳: ۸۴).

معمولاً شرایط به صورت مسائل عمومی در نمی‌آیند، مگر آنکه عده زیادی از مردم را تحت تاثیر قرار دهند. این دیدگاه عده‌ای از صاحب‌نظران است که بیشتر به نتیجه مسائل عمومی و اثرات آن‌ها توجه داشته‌اند تا خود مسئله. جان دیویی در تعریف «عموم مردم»، به این نکته اشاره می‌نماید که منظور از عموم مردم، همه افرادی هستند که نتیجه عملیات به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر آنان اثر می‌گذارد و بنابراین کاملاً نسبت به این نتایج حساس هستند. عده‌ای دیگر، فرآیندی را توصیف می‌کنند که چنانچه یک پدیده، آن فرآیند را طی کرده باشد، به یک مسئله تبدیل شده است. خواه نتیجه آن عمومی باشد، خواه نباشد، چه مردم آن را احساس نموده و از نتیجه ناراضی باشند، خواه نباشند (دانش‌فرد، ۱۳۹۳: ۸۴ - ۸۵). ارزیابی وجود یک مسئله و نیاز به خط‌مشی، نیازمند شرایطی چند است از جمله: تشخیص اقدامات مورد نیاز از طریق آینده‌نگری؛ داشتن اطلاعات قابل اعتماد و جامع؛ سناریونویسی؛ ارزیابی ارتباط درونی بین نیازهای خط‌مشی؛ توانایی داشتن برای پاسخ سریع به حوادث غیرمنتظره خارجی و داشتن شاخص‌های تعیین‌کننده است.

مقاله حاضر، مبتنی بر تشخیص اقدامات مورد نیاز از طریق آینده‌نگری است. در واقع،

مؤسسات و سازمان‌های دولتی باید قادر باشند نواحی منطقه‌ای یا بخش‌های مختلف کشور که نیازمند توجه زودهنگام هستند را شناسایی کنند. اگر آنها نتوانند از طریق به‌کارگیری تفکر آینده‌نگر، فرصت توسعه گزینه‌های خط‌مشی برای رفع مسائل و مشکلات را شناسایی نمایند، فرصت‌ها برای اجرا یا خدمات بهتر به شهروندان از بین می‌رود. سازمان‌های مسئول، از طریق آینده‌نگری، ریسک را در بعضی از موارد کاهش می‌دهند؛ زیرا ممکن است بعضی از مواقع، همزمان با وقوع مسئله، شرایط، مستلزم عمل فوری باشد (همان: ۱۴۱). بر این اساس، از عوامل تاثیرگذار در شناخت و تعریف مشکل عمومی، انجام مطالعات و تحقیقات، نیازها، کمبودها و احتیاجات، گزارش‌ها و رخدادهای، اهمیت اجتماعی مسئله و تخصیصی بودن مباحث است (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

در مرحله شناسایی ابعاد مختلف مسئله زلزله و تحکیم خانواده نیز، عواملی چون اتاق‌های فکر یا مراکز تحقیقاتی، مطبوعات، سازمان‌های مجری، رسانه‌ها و نهادهای مدنی به ایفای نقش می‌پردازند. در مرحله بعد، رسانه‌ها، نخبگان علمی، بروکرات‌ها، دانشگاه‌ها و مانند آن به یافتن راه‌حل‌های مختلف کمک می‌کنند. پیش از آنکه مسئله زلزله و تحکیم خانواده، بتواند وارد دستور کار سیاست‌گذاری شود، باید ویژگی‌های آن را مشخص یا اشخاصی شناسایی کنند و پس از طی مراحل به شکل یک مسئله عمومی در دستور کار جای گیرد (همان: ۲۷۰ و ۳۰۰).

امروزه به تصریح کارشناسان و براساس پژوهش‌های صورت گرفته، مسائل خانواده - به‌ویژه مسئله زلزله و فروپاشی خانواده - نسبتاً حاد شده، به صورتی که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت و بی‌اهمیت تلقی نمود. زلزله و فروپاشی خانواده‌ها، مسأله‌ای برجسته و به صورت یک موضوع خاص درآمده که در آن این موضوع، موضوعات مهم‌تری را نیز نشان می‌دهد. در واقع، مسأله زلزله خانواده هم اشعار به ضعف روابط در خانواده‌ها و هم بیانگر ضعف شدید در عملکردهای آن است. تغییر و تحولات سریع خانواده، عمومیت زیادی دارد و توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. تغییرات ارزشی، ساختاری، کارکردی و عاطفی (روابط) خانواده‌ها، اثرات گسترده‌ای در جامعه دارد و می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. می‌توان ادعا کرد که زلزله خانواده، مشکل روز جامعه

ماست که دارای ابعاد و زوایای مختلفی است. امروزه عده زیادی از مردم تحت تأثیر تحولات خانواده قرار دارند. در واقع، در پرتو این تغییرات، آینده خانواده مبهم، پیچیده، بی ثبات و غیرقطعی است. بیشتر حوزه‌ها، مؤلفه‌ها و مسائل جامعه، بر آینده خانواده تأثیرگذار هستند. از طرفی، منشأ بسیاری از مشکلات اجتماعی، می‌تواند ناکارآمدی خانواده باشد. خانواده‌ای که از محبت، انعطاف و رحمت دور باشد، باعث عدم آرامش روانی و افزایش اضطراب، عدم اقتناع نیازهای جنسی زوجین و... می‌شود. کم شدن تمایل به تشکیل خانواده، عدم تناسب در ازدواج، عدم تعادل در پیوندهای جنسی و عاطفی و ضعف بنیان‌های پرورشی و تربیتی؛ از نمودهای تغییرات منفی در خانواده معاصر است. هم‌چنین تضعیف اخلاق جنسی و عفاف، افزایش طلاق و اختلافات خانوادگی، تغییر در الگوی روابط زن و مرد، افزایش اعتیاد و بیماری‌های جنسی، افزایش شبکه‌های فساد، افزایش افسردگی در نسل جوان و... از دیگر مسائل خانواده است. تحولاتی که به‌ویژه در سده اخیر در جامعه بشری اثر گذاشت، به شکل‌گیری و تقویت گفتمان‌های رقیب، از جمله گفتمان فردگرایی، گفتمان برابری و گفتمان مصرف در برابر گفتمان خانواده انجامیده است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۹۳). مسائل دیگری همچون تحریک شدید طبقاتی، بحران اقتصادی، فقر، بیکاری، از هم‌گسیختگی، تفاوت فرهنگی و... موجب شده خانواده نتواند کارکرد مناسب خود را بروز دهد. بی‌توجهی مسئولان به جایگاه محوری خانواده موجب تضعیف منزلت خانواده و کاهش سرمایه اجتماعی شده است. پیامد این مسئله نیز در ناپایداری خانواده و تنزل سرمایه اجتماعی در حوزه خانواده مشهود است.

افزایش روزافزون آمار طلاق در نقاط مختلف جهان، به‌ویژه در کشورهای غربی، عوامل بسیاری دارد. از جمله: بحران‌های ناشی از طلاق، کم‌رنگ شدن ارزش زوجیت‌های شرعی و ازدواج‌های قانونی و ترویج زندگی مشترک زنان و مردان بدون ازدواج رسمی، پیر شدن جمعیت، ترغیب غیرمنطقی زنان به استقلال‌طلبی، خودمختاری و خودکفایی اقتصادی، زایمان‌های بدون ازدواج رسمی و بالأخره شیوع خارق‌العاده افسردگی، اضطراب، اعتیاد به مواد مخدر و فرآورده‌های رسانه‌های الکترونیکی و لجام‌گسیختگی‌های فرهنگی، که تمامی این عوامل، کانون مقدس خانواده را متزلزل کرده و بحران‌های

اجتماعی را به بار آورده است. بی‌جهت نیست که در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ازدواج و کانون خانواده بیشترین ارزش و اهمیت را دارد (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۸؛ سالاری‌فر، ۱۳۹۳: ۱۵-۲۲). چنان‌که مسلمانان به ازدواج شرعی و تشکیل خانواده بسیار اهمیت می‌دهند و همین امر مقدس است که همواره در تهاجم فرهنگی بی‌وقفه امپریالیسم رسانه‌ای و مروجان نظام نوین جهانی قرار دارد (باقری، ۱۳۹۱: ۸۲۱).

اما مهم‌ترین محور تغییرات خانواده در حوزه ارزش‌ها صورت می‌گیرد و مهم‌ترین مشکلات آینده خانواده نیز در همین حوزه ارزش‌ها روی خواهد داد. در واقع، خانواده از کانون‌های تغییرات ارزشی در جامعه است. در دوران جدید و در جوامع صنعتی، ماهیت و اشکال ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن و به‌طور کلی الگوهای همسرگزینی و خانواده تحت تأثیر عوامل متعددی به‌ویژه عوامل فرهنگی دچار تغییر و تحول شده و در جوامع رو به توسعه، یا به‌اصطلاح پیرامونی با آهنگی آرام در حال تغییر است. به دنبال تغییر در نظام هنجاری جامعه، تغییر در ارزش‌ها و گسترش شهرنشینی، رفع محدودیت در روابط بین دو جنس مخالف کاهش یافته، که به نوبه خود بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه - از جمله ازدواج - را تحت تأثیر قرار داده است (سرایبی و اجاقلو، ۱۳۹۲).

تغییر قابل ملاحظه‌ای که در سطح جامعه و خانواده‌های ایرانی به وقوع پیوسته و به دنبال خود ارزش‌های خانواده ایرانی را هم توانسته دگرگون کند، دگرگونی نقش و جایگاه زنان ایرانی است. در اثر دگرگونی‌هایی که در سطح جهانی رخ داده، نقش زنان در نهاد خانواده و سازمان‌های اجتماعی، تغییرات قابل توجهی پیدا کرده است. در اثر پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های جدید در میان زنان، مقاومت‌هایی از سوی آنها، چه در عرصه خانواده و چه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، به علت گسترش وسایل ارتباط جمعی و فراوانی منابع ارائه‌دهنده اطلاعات، به صورت مبارزات اجتماعی پدید آمده، که به بازتولید ارزش‌های متفاوت در باب هویت فردی و جنسیتی منجر شده است (سیف‌اللهی، رازقیان، ۱۳۸۷: ۲۷). چالش میان ارزش‌های سنتی و مدرن، ورود فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن به‌علاوه تحولات عمیق و گسترده سیاسی و اقتصادی و پیدایی طبقه متوسط شهری، افزایش بی‌سابقه مصرف کالاهای جدید، ورود امکانات جدید ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه‌های

ماهواره‌ای به زندگی شهروندان موجب تغییرات ارزشی شدید در جامعه ما شده‌اند (آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲: ۱۲).

نتیجه آنکه، وضعیت خانواده در ایران - به‌ویژه به‌لحاظ ارزشی و اخلاقی - با پیچیدگی و ابهام‌های زیادی روبه‌رو است و پیوسته دچار تغییرات زیادی می‌شود. جهش آمار طلاق، نشان می‌دهد که گرایش عمومی به طلاق زیاد شده و منحنی آن صعودی است. با توجه به این روند صعودی، در دو دهه اخیر با معضلاتی نظیر طلاق عاطفی، افزایش میزان طلاق رسمی، افزایش زنان سرپرست خانوار، فرزندان طلاق و اموری این‌چنین مواجه شده‌ایم (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵). با توجه به تغییرات ارزشی، اعضای خانواده، تصویر روشن و صحیحی از ارزشمندی خانواده، ساختار خانواده و تفکیک جایگاه و نقش‌های خود و دیگران نداشته و این تصویر، هر روز کم‌رنگ‌تر و بی‌فروغ‌تر می‌شود و شاید بتوان گفت که تا چند سال آینده، خانواده یک نهاد بسیار عادی در کنار سایر نهادهای عمومی جامعه تلقی گردد و جایگاه اساسی خود را از دست بدهد (فاضلی و علیقیان ۱۳۹۱؛ آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳-۷۷). خانواده ایرانی با خانواده متعادل که سنگ‌بنای یک جامعه سالم است، فاصله و زاویه پیدا می‌کند و آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان تهدیدی جدی سلامت روحی و روانی اعضای خانواده با خطر مواجه می‌نماید. چالش‌های ارزشی و اخلاقی بزرگ‌ترین و مهلک‌ترین آفت دوام و پایداری خانواده به‌شمار می‌رود و آن را به سمت فروپاشی می‌کشاند. آینده خانواده، با تغییر عمیق و گسترده سبک زندگی و تغییرات اساسی در آداب و رسوم و سنت‌ها و در نتیجه، جایگزینی سبک زندگی غربی به جای سبک زندگی دینی و اسلامی روبه‌رو است (موسوی میرکلانی، ۱۳۹۱: ۵۲-۷۳). این مسئله، هر روز ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند و شیوه زندگی افراد روزبه‌روز از معیارهای اسلامی بیشتر فاصله می‌گیرد. کانون خانواده به دلایل و عوامل مختلف استواری، ارزش‌مندی، قداست و حرمت خود را از دست می‌دهد و نگرانی‌های زیادی را ایجاد می‌کند (نوری، ۱۳۸۹). بسیاری از خانواده‌ها به دلیل تأثیرپذیری از برنامه‌های رسانه‌ای و شبکه‌های ماهواره‌ای، از رضایت‌مندی و آرامش متقابل محروم هستند؛ همچنین، اقتدار عاطفی و منطقی و همدلی و همراهی لازم را نیز در تعامل با فرزندان ندارند (جعفری‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۱). بی‌ثباتی در خانواده‌ها، به دلیل خلأ فکری و روانی افراد، روندی رو به گسترش دارد. روند روزافزون

بی‌ثباتی و تزلزل، نظام خانواده‌ها را با یک بحران جدی مواجه کرده است؛ تا جایی که بسیاری از خانواده‌ها، به شکل‌های گوناگون آسیب می‌بینند! بالارفتن سطح توقعات و پایین آمدن سطح تحمل و مدارا در میان زوج‌های جوان و نداشتن مهارت‌های زندگی، منجر به ایجاد نگرش منفی به زندگی و در نتیجه فروپاشی خانواده است (دارابی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۴۳).

ب: تعیین دستور کار سیاستی تحکیم خانواده

در این مرحله، دستور کار تصمیم‌گیری در مورد تحکیم خانواده تعیین می‌شود. به بیان دیگر، تصمیم‌گیری درباره اینکه در مورد چه مسائلی از تحکیم خانواده باید تصمیم گرفت و اساساً چه مسائلی را مطرح کرد، در این مرحله انجام می‌شود. اینکه چگونه مسائل مرتبط با تحکیم خانواده اولویت‌بندی شده و به عبارتی، از چه منبع یا منابعی برای ارزش‌گذاری بر مسائل خانواده استفاده می‌شود که می‌تواند آنها را در اولویت نظام سیاست‌گذاری فرهنگی قرار دهد، در اینجا پاسخ داده خواهد شد. گفتنی است، اصلی‌ترین منابع اطلاعاتی برای بررسی و اولویت‌گذاری مسئله، پژوهش‌های مرتبط و نیز دیدگاه‌ها و نظرات کارشناسان مرتبط است. همچنین، نظرات دولتی‌ها و نیز دیدگاه‌های ارائه‌شده در رسانه‌ها و گروه‌های صنفی نیز نقش دارند. در پایین‌ترین حد، نظریات و دیدگاه‌های گروه‌های صنفی، حرفه‌ای و سیاسی مرتبط با مسئله قرار دارند که بنا به دیدگاه پاسخ‌گویان، اثر اندکی را به‌عنوان منابع اطلاعاتی داشته‌اند. بر این اساس، دستور جلسه شناسایی اولویت‌های سیاست‌گذاری تحکیم خانواده، شامل فهرستی از مسائلی است که از طریق منابع یادشده به دست آمده و از طریق روش تاپسیس، تجزیه و تحلیل شده‌اند.

ج: اولویت‌گذاری مسائل خانواده

یافته‌های پژوهش، نشانگر اولویت اول مسائل ارزشی خانواده است. حاکم‌شدن فرهنگ مادی‌گرایی در خانواده، انحطاط و کم‌رنگ‌شدن تدریجی ارزش‌های خانوادگی، گسترش جایگزینی سبک زندگی غربی به جای سبک زندگی اسلامی به ترتیب با اخذ امتیازات ۳/۹۷ و ۳/۸۷ و ۳/۷۴ سه اولویت اول مسائل خانواده از منظر کارشناسان است.

بر اساس نتایج به دست آمده از نرم افزار تاپسیس، بیست مسئله اولویت خانواده به شرح ذیل مشخص گردید (به ترتیب امتیاز):

جدول شماره ۴ - اولویت‌های مسائل خانواده

امتیاز نهایی	گزینه اولویت‌دار	اولویت	ردیف
۳.۹۷۰۲	۸. حاکم شدن فرهنگ مادی گرایی در خانواده	اول	
۳.۸۷۰۳	۱۰. انحطاط و کم‌رنگ شدن تدریجی ارزش‌های خانوادگی	دوم	
۳.۷۴۶۱	۶. گسترش جایگزینی سبک زندگی غربی به جای سبک زندگی اسلامی	سوم	
۳.۶۹۲۹	۳۶. تخریب ساختار خانواده‌های سنتی بر اثر مدرنیزاسیون	چهارم	
۳.۶۱۷۴	۴. افزایش عدم‌رعایت و پای‌بندی به موازین و ارزش‌های اخلاقی	پنجم	
۳.۵۹۳۱	۳۳. حاکمیت گفتمان ناکارآمدی خانواده	ششم	
۳.۵۶۶۸	۱. افزایش میل و گرایش عمومی به طلاق	هفتم	
۳.۵۶۰۱	۹. اختلال در انتقال ارزش‌ها و الگوسازی ارزشی	هشتم	
۳.۵۴۶۵	۵. فاصله گرفتن از خانواده آرمانی و متعادل	نهم	
۳.۵۲۰۶	۲۱. عدم‌شناخت اصول و قواعد اصلی زندگی مشترک	دهم	
۳.۵۱۲۲	۷. از بین رفتن میل و رغبت به تشکیل یا حفظ زندگی	یازدهم	
۳.۴۷۸۸	۱۸. از بین رفتن تعادل در خانواده با سست شدن باورهای مذهبی و اعتقادی	دوازدهم	
۳.۴۵۱۶	۲۸. تنزل جایگاه خانواده در تربیت دینی فرزندان	سیزدهم	
۳.۴۳۹۶	۳۹. کاهش باروری و نرخ رشد جمعیت	چهاردهم	
۳.۴۳۸۶	۳. عادی شدن طلاق و قبح‌زدایی از آن	پانزدهم	

رتبه	اولویت	گزینه اولویت‌دار	امتیاز نهایی
	شانزدهم	۳۴. تنزل مرجعیت خانواده در آموزش و هدایت اعضا	۳۰۴۴۶
	هفدهم	۳۵. اهمیت یافتن کار و اشتغال نسبت به خانواده	۳۰۴۳۵
	هجدهم	۴۲. تضعیف ساختار و جایگاه خانواده به سبب تداوم رکود و اقتصاد ناسالم	۳۰۳۳۳
	نوزدهم	۱۹. پایین آمدن سطح مهارت‌های اساسی زندگی	۳۰۳۷۸۷
	بیستم	۱۷. افزایش تعارضات در خانواده با گسترش اینترنت و فناوری‌های نوین ارتباطی	۳۰۳۴۴۶

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده، مسائل زیر باید در اولویت سیاست‌گذاری تحکیم خانواده قرار گیرند و سیاست‌های فرهنگی تحکیم خانواده هم ناظر به حل مسائل یادشده باشد. در تجزیه و تحلیل این سیاست‌ها، روشن می‌شود که ابتدا حل مسائل ارزشی - ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی - باید در اولویت سیاست‌گذاری فرهنگی قرار بگیرند. این مسائل عبارت‌اند از:

۱. حاکم شدن فرهنگ مادی‌گرایی در خانواده؛ ۲. انحطاط و کم‌رنگ شدن تدریجی ارزش‌های خانوادگی؛ ۳. فراگیری جایگزینی سبک زندگی غربی به جای سبک زندگی اسلامی؛ ۴. افزایش عدم رعایت و پایبندی به موازین و ارزش‌های اخلاقی در خانواده؛ ۵. افزایش میل و گرایش عمومی به طلاق؛ ۶. اختلال در انتقال ارزش‌ها و الگوسازی ارزشی؛ ۷. فاصله گرفتن از خانواده آرمانی و متعادل؛ ۸. عادی شدن طلاق و قبح‌زدایی از آن؛ ۹. ایجاد نگرش منفی به زندگی با بالا رفتن سطح توقعات

بخش مهم دیگر مسائل اولویت‌دار مربوط به تنزل سطح اطلاعات - باورها، مهارت‌ها و آگاهی‌های ضروری - خانواده و در مرحله بعد اختلال اساسی در کارکردهای تربیتی و آموزشی و اقتصادی خانواده است:

۱. عدم شناخت اصول و قواعد اصلی زندگی مشترک؛ ۲. از بین رفتن میل و رغبت به

تشکیل یا حفظ زندگی؛ ۳. از بین رفتن تعادل در خانواده با سست شدن باورهای مذهبی و اعتقادی؛ ۴. پایین آمدن سطح مهارت‌های اساسی زندگی؛ ۵. تنزل جایگاه خانواده در تربیت دینی فرزندان؛ ۶. کاهش باروری و نرخ رشد جمعیت؛ ۷. تنزل مرجعیت خانواده در آموزش و هدایت اعضا؛ ۸. افزایش تعارضات در خانواده با گسترش اینترنت و فناوری‌های نوین ارتباطی.

در مرحله آخر مشکلات ساختاری خانواده و تضعیف جایگاه آن به اشکال مختلف است. با توجه به این مسائل و چشم‌انداز مطلوب خانواده، در مقاله‌ای مستقل به تدوین و ارائه سیاست‌های فرهنگی ناظر به تحکیم خانواده پرداخته خواهد شد؛ البته ناگفته نماند اصل فروپاشی و تزلزل نهاد خانواده - افزایش طلاق و جدایی و سست شدن پایه‌های استحکام خانواده - مساله مهمی است که عموم مسائل یاد شده، ناظر به همین مسئله اصلی خانواده می‌باشند. بر این اساس، مسائل یاد شده نیز ناظر به حل مسئله افزایش طلاق و تزلزل گسترده خانواده در آینده هستند.

کتابنامه

۱. آزاد ارمکی، تقی و حسن خادمی (۱۳۸۲)، «ترجیحات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، ش ۸.
۲. آزاد ارمکی، تقی و دیگران (۱۳۹۱)، «هم‌خانگی»، «پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره ۳، ش ۱.
۳. آذر، عادل و حجت فرجی (۱۳۸۷)، «علم مدیریت فازی، تهران: نشر کتاب مهربان نشر».
۴. اسفندیاری، سرور (۱۳۸۷)، «خانواده در هیاهوی دنیای مدرن» مجله پیوند، ش ۳۵۱.
۵. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، «سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان».
۶. اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۵)، «تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره، تهران: انتشارات دانشگاه تهران».
۷. اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۳ - ۱۳۹۰) (۱۳۷۱)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۸. الوانی، سیدمهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۸۷)، «فرایند سیاست‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی».
۹. آینده‌بان، «آینده‌پژوهی ایران» (۱۳۹۳)، نشریه آینده‌بان.
۱۰. باقری، شهلا (۱۳۹۱)، «ارزیابی برنامه پنجم توسعه و راهبردهایی برای بهبود فرایند نظام‌سازی در حوزه زنان و خانواده»، اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، ج ۲، تهران: پیام عدالت.
۱۱. بزرگی، حوریه (۱۳۹۳)، «بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی ایران در شبکه پخش نمایش خانگی»، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی، ش ۱.
۱۲. بهشتی، احمد (۱۳۷۷)، خانواده در قرآن، قم: بوستان کتاب.
۱۳. جعفری‌نژاد، سیدابوالفضل (۱۳۸۹)، «پیدا و پنهان شبکه ماهواره‌ای (فارسی‌وان)»، ماه‌نامه پنگاه حوزه، ش ۲۷۷.
۱۴. حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹)، اصول و مبانی سیاست فرهنگی در آسیا و آفریقا، تهران: انتشارات آن.

۱۵. حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۹۰)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین.
۱۶. دارابی، سعداله و دیگران (زمستان ۱۳۹۳)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری زناشویی»، پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، دوره ۱، ش ۲.
۱۷. دانش‌فرد، کرم‌اله (۱۳۹۳)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات صفار.
۱۸. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳)، تحلیلی بر مهم‌ترین مسائل زن و خانواده در ایران، قم: نشر مرکز تحقیقات زن و خانواده.
۱۹. سازمان ثبت احوال کشور، <http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=4760>
۲۰. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم: مرکز نشر هاجر.
۲۱. سرایی، حسن و سجاد اجاقلو (۱۳۹۲)، «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، ش ۴.
۲۲. سیف‌اللهی، سیف‌اله و آناهیتا رازقیان (۱۳۸۷)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی: تهران)»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال دوم، ش سوم.
۲۳. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۴. فاضلی، نعمت‌الله و شیوا علی‌نقیان (۱۳۹۱)، گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران، تهران: همایش زن و زندگی شهری.
۲۵. فاضلی، نعمت‌الله و مرتضی قلیچ (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی، تهران: تیسرا.
۲۶. قلی‌پور، رحمت‌الله و ابراهیم غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹)، فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۲۷. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۸. گروه پژوهشی آینده (بهار ۱۳۸۰)، «مسائل اجتماعی ایران از دیدگاه مردم تهران»، انتشار محدود، تهران: وزارت کشور.
۲۹. لستر، جیمز پی. و جی. آر. جوزف استوارت (۱۳۸۳)، فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ رویکردی تکاملی، ترجمه: مجتبی طبری و همکاران، تهران: نشر ساوالان.

۳۰. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
۳۱. محمدی، بیوک (۱۳۹۳)، درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۲. معتمدی، سیدهادی (اسفند ۱۳۸۳)، دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور.
۳۳. معتمدی، غلامحسین (دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۱)، «شناخت خانواده»، خبرآنلاین.
۳۴. موسوی میرکلای، سیدعلی (۱۳۹۱)، «خانواده، شکاف نسلی و رسانه»، فصلنامه رسانه و خانواده، ش ۴.
۳۵. نجاتی حسینی، سید محمود و دیگران (۱۳۷۹)، مشارکت فرهنگی، تهران: انتشارات آن.
۳۶. نوری، اعظم (۱۳۸۹)، «عوامل تحکیم و استحکام خانواده»، فصلنامه طهورا، ش ۷.
۳۷. وحید، مجید (۱۳۸۳)، سیاست‌گذاری عمومی، تهران: میزان.
۳۸. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «طرح سنجش و پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، زمستان ۱۳۸۱.
۳۹. هاشمیان، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷)، «بازخوانی دانش خط‌مشی‌گذاری در بستر پست مدرنیسم: شکل‌گیری خط‌مشی در عصر پست‌مدرن»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۵۶.
۴۰. هاوالت، مایکل و ام رامش (۱۳۹۴)، مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه: عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: کتاب مهربان نشر.